



جامعه شناسی هنر

سمانه خلفی

چکیده

هنر شکل ویژه ای از شناخت حسی قابل انتقال است ، و شناخت یک موضوع به طور کلی دو مرحله پیوسته تحلیلی و ترکیبی را در ذهن طی می کند . در مرحله نخست شیی یا پدیده یا موضوع خارجی در انعکاس خود بر ذهن به پاره ای تصاویر ذهنی تجزیه می شود هر کدام وجوهی از خصوصیت شیی یا موضوع را در بر دارد . به عنوان مثال هر یک از حواس پنجگانه یک یا چند تصویر از شکل ، اندازه ، سختی ، رنگ ، بو و صدای یک شیی را به ما می دهد و هر چه این تصاویر جزئی تر باشند بیشتر به شناخت صفات اختصاصی شیئی دست می یابیم . در مرحله دوم، که مرحله ترکیب است این تصاویر به هم می پیوندند و کل واحدی را می سازند که تصور نهایی ما از شیی است و به طور نسبی قابل انطباق بر آن می باشد

هنرمند در کار خود در تجسم بخشیدن به این تصور می باید به شکل ویژه ای عمل ترکیب تصاویر ذهنی را با عناصر عینی انجام دهد ، و به فضای حسی خود تجسم بیرونی ببخشد هنری که بتواند اینگونه گسترده به زندگی و انسان بنگرد همان هنر واقع گر است ، که مبانی فلسفی و اصول زیبایی شناسی آن در مسیر تاریخ زندگی بشر پا به پای تکامل دانش و شناخت انسان از خود و پیرامونش رشد کرده است ، و در کاملترین شکل خود با تکیه بر اصول جامع فلسفه علمی به صورت هنر واقعگرایی جامعه گرا در می آید .

واژگان کلیدی: جامعه، شناسی، هنر



مقدمه

هنرمندان کشورهای دیگر وقتی که می خواستند اثر خود را (نو) بخوانند به آن ارجاع می دادند . فرهنگ هنری اواخر سده نوزدهم فرانسه ، فرهنگ غنی و متنوعی بود . در میانه آن سده ، اقتدار سنت دانشگاهی که بر اثر انقلاب متوقف شده و بعداً با آثار ژاک - لوئی داوید پیچیده تر شده بود ، در تعارض با آثار واقع گرایانه گوستاو - کوربه قرار گرفت و بر اثر ارتباط با این قسم واقع گرایی ، در تقابل با انقلابهای سال ۱۸۴۸ واقع شد . ادوارد مانه ، فردی انقلابی نبود ، ولی پیروی او از اهداف واقع گرایان در دهه ۱۸۶۰ موجب به وجود آمدن نوعی خود آگاهی ملموس درباره مشکل های اجتماعی تجدید در آثارش شد که از طرف دیگر خود را در شیوه های عملی و شرایط عرضه آثارشان داد که بعدها آن را نوگرایی (مدرنیسم) خواندند . در اوایل دهه ۱۸۷۰ - یعنی زمان جنگ فرانسه و پروس و شکل گیری کمون پاریس و سرکوبی آن ، کسانی که بعداً امپرسیونیست ها خوانده شدند ، با طرح طبیعت گرایی نوین همسو و هم آواز شدند . به طور معمول به نهضت امپرسیونیسم در تاریخ رایج هنر نو نمونه شاخص پیشتازی (آوانگاردیسم) در هنر نو دانسته می شود . این وضعیت نه همچون عارضه و نتیجه صریح و تند برخی از هنرمندان صاحب آثار پیچیده و دیر فهم ، بلکه به علت آثار برخی از ایشان ، به سبب مقاومت محافظه کارانه و در عین حال پر هیاهو - و نهایتاً بی فایده - با برنامه آنها ، پدیده آمده بود .

روش تحقیق

جامعه شناسی مانند مردم شناسی ، هنر را بعنوان پدیده ای اجتماعی که در جریان کار و پیکار و زندگی و به مقتضای مبارزه و پیروزی بر محیط پیدا شده و همگام با تکامل جامعه ، و دست کم، در پیوند با آن به حرکات و تحولات خود ادامه داده و به صورت نهادی اجتماعی درآمده است در نظر می گیرد ، نهادی که مانند اغلب نهادهای اجتماعی دیگر ، دوره تکاملی بسیار طولانی را از ما قبل تاریخ تا امروز پشت سر گذاشته است . از این دیدگاه ، تاریخ پیدایش هنر به عنوان پدیده ای اجتماعی ، با شکل گیری نخستین اجتماعات انسان ها یعنی « انسان های گردآور خوراک » مقارن است . با رشد کار و ابزار ، هنر نیز به عنوان عنصری سازنده از فرهنگ ، در نقاشی های مربوط به شکار جانوران ، در دیوارهای غارها خود را نشان داده ؛ و در تمام احوال ، هنرهای نخستین ، از زندگی عملی و مقتضیات حیات اجتماعی و به ویژه از کار و پیکار جمعی انسان ها برخاسته و بیان آرزوها ، امیدها ، انتظارها و تلاشها و کوششهای انسان های مزبور در دامن طبیعت وحشی یا اجتماعات ابتدایی ، و بعد ها ، در جامعه های تکامل یافته بوده است . مسلماً ، هنر در جریان تکاملی اجتماعات به ویژه پس از تکامل و پیشرفت جامعه به سوی دامداری ، کشاورزی ، صنعتی و ترقی و تعالی مادی و معنوی انسان ها ، نشیب و فرازها و اسارتها و آزادیهای زیادی را شاهد بوده است ، ولی سرانجام به مقتضای ضرورت تکامل اجتماعی ، بارش و توسعه جامعه و گسترش واقع گرایی انسان ها راه تعالی خود را باز یافته ، و در تلطیف ذوق و عواطف و تغییر فکری و فرهنگی جامعه سهیم گردیده است . با نظری کلی ، هنر ، این نهاد اجتماعی پس از پشت سر گذاشتن شرایط دشوار مرحله « گردآوری خوراک » ، از دوره دامداری و کشاورزی تا دوره صنعتی ، طی روزگاران دراز ، از هنر دنیای کهن (هنر خاور زمین و باختر) و هنر نوزایی (ایتالیای سده ۱۵ و ۱۶ و اروپای شمالی) و هنر جهان نوین (سده های ۱۹ و ۲۰) با دشواریها و موانع سخت ، و متقابلاً ، با تلاشها و کوششهای خستگی ناپذیر هنرمندان راستین برای درهم شکستن موانع همراه بوده است

تاریخ نشان می دهد که : هنر بعنوان نیروی اجتماعی درخور توجه و موثر و دگرگونی بخش ، در ادوار طولانی حیات اجتماعات از آسیب و دستبرد زورمداران در امان نمانده ، قرن ها زندانی کاخ های جهان گشایان تفنن طلب خاور زمین باستان ، سده ها اسیر و برده زور و زر اشراف یونانی و رومی و شادی آفرین جهان انگلی آنان و در طی سده های میانه زیر سلطه همه جانبه کلیسای غرب ، و طی دوره « نوزایی » به ویژه ، در انحصار خاندانهای متفرعن شهرهای ایتالیا ، در سده های بعد و در دوره معاصر ، به اعتباری در اسارت جهانخواران بوده است . ولی گفتنی است که هنر پیشرو انسانی علی رغم تمامی اسارتها و موانع



و سدهای عبورناپذیر، و با وجود تمام هنرستیزیها، به مقتضای تکامل اجتماع و فرهنگ، به پیشرفت ایستایی ناپذیر خود، هرچند با دشواری، ادامه داده و به گشودن افقهای نوینی توفیق یافته است (ترابی، ۱۳۷۹).

طرح مسئله

شناخت محتوای اثر هنری و جوهر اجتماعی آن از اهداف اصلی جامعه شناسی هنر است. سعی دانش مزبور براین است که روابطی را که هنر را با جامعه و مظاهر گوناگون زندگی اجتماعی پیوند می دهند با روش علمی مورد بررسی قرار دهد. از آنجا که هنر، محصول شناخت حسی و بیان عاطفی و تکامل یافته واقعیت است، و علم اساسا شناخت ادراکی واقعیت و بیان آگاهانه و دقیق آن است، شاید در آغاز، این پرسش مطرح شود که هنر هیجان بخش و شورآفرین را که بیشتر به زبان «دل گفتگو» می کند، با دانش روشنگر که در پرتوی فعالیت ادراکی مغز، آگاهانه و واقع گرایانه، به بحث می پردازد، چه رابطه و نسبتی تواند بود؟ و به عبارت روشنتر، مطالعه و بررسی هنرها (مثلا نقاشی) توسط علوم (مثلا جامعه شناسی) چه صورتی و چه اعتباری تواند داشت؟

اهمیت و ضرورت طرح

جامعه شناسی، شناخت علمی جامعه، مطالعه حیات اجتماعی و بررسی قوانین حاکم بر زندگانی جامعه است دانش نوین جامعه شناسی هنر نیز، به عنوان شاخه ای از جامعه شناسی، با استفاده از دست آوردهای دیگر دانش های اجتماعی، روابط متقابل هنر و مظاهر مختلف زندگی اجتماعی را موضوع مطالعه خود قرار می دهد، و به هنگام بررسی در زمینه خاص نقاشی، به تحلیل اثر هنری و جوهر اجتماعی آن تاکید می نماید. مسلما برای شناخت علمی «هنر در پیوند با جامعه و تکامل اجتماعی» با توجه به گستردگی موضوع، جامعه شناسی هنر ناگزیر است که از سویی به ژرفکاوای در هنر، در اساس زیبایی ها و واقعیت های درون و برون هنر و بیان عاطفی آن بپردازد، و از سوی دیگر، جامعه و مظاهر گوناگون زندگی اجتماعی را با دیدگان همه سو نگر جامعه شناسی زیر نظر داشته باشد؛ و بالاتر از اینها، روابطی را که آن هنر را با این مظاهر حیات اجتماعی به هم می پیوندند، به وجهی علمی بشناسد و بشناساند. نقاشی این بیان عاطفی و خیال انگیز، این بازتاب استعاری واقعیت، یا بازآفرینی واقعیت در پرتوی تصویرهای هنری، در واقع شکلی از فرهنگ معنوی جامعه است که به بیان رابطه انسان با محیط طبیعی و اجتماعی، با دنیای ذهنی، با اعمال و اندیشه ها و احساسات، و به طور خلاصه با واقعیت درون و برون می پردازد؛ و در این راه از تصویرها که جنبه فردی و عینی دارند و در عین حال برویژگیهای عمومی گروهی از پدیده ها تاکید می کنند و آنچه را که در فرد معین و مشخص جنبه عام و به اصطلاح خصوصیت «نمونه وار» یا تیپیک دارد برجستگی (می بخشند، استفاده می کند (ترابی، ۱۳۷۹).

جامعه شناسی رشته ای نسبتا جوان است و تحول آن در اندکی بیش از یکصد سال بسیار سریع بوده است. این پدیده در مورد جامعه شناسی هنر به مراتب چشمگیرتر است. در این میان جامعه شناسی نقاشی که در این رساله به آن پرداخته شده است بسیار نوپاست و در اولین گامهای رشد خود به سر می برد. از آنجاکه نقاشی از جمله معدود هنرهایی است که از ابتدای خلقت انسان با او همراه بوده و رشد کرده و تکامل یافته است ضرورت بررسی و پژوهش جامعه شناختی را ایجاب می کند چرا که این هنر خصوصیت اجتماعی داشته بدان معنا که در موارد بسیار هدف از انجام آن تامین خواسته های اجتماعی بوده است. به عبارت دیگر نقاشی خود تولید اجتماعی است و به عنوان یک سیستم دارای سلسله مراتب تولید، توزیع و مصرف می باشد. مخاطبان به عنوان مصرف کننده گان در بسیاری موارد تعیین کننده موضوع نقاشی ها بوده اند مانند اربابان کلیسا در دوران قرون وسطی.



یافته ها

جامعه شناسی هنر یکی از شاخه های علوم اجتماعی است. جامعه شناسی هنر دانشی دوزیستی است که از دو رکن هنر و جامعه شناسی تشکیل یافته است جامعه شناسی یا تیوری علمی جامعه، شناخت حرکات اجتماعی و بررسی قوانین حاکم در یک جامعه و ویژگی های حیات اجتماعی آن جامعه است که نگرش و دید علمی انسانها را نسبت به هنر متغییر می گرداند. جامعه شناسی هنر در دهه اخیر به بررسی زندگی اجتماعی انسانها که همانا هنر و آفرینش هنری است می پردازد. امروزه کارشناسان علوم اجتماعی کلمات تحلیلی و ترکیبی مثل دولت، دین، سیاست، فلسفه، دانش علم، اقتصاد و تاریخ را در ادراکات مجهول اما به هم پیوسته و ادراکاتی که از الگوها و نمونه های در هم رفته، شکل گرفته اند به کار می برند. جامعه شناسی نیز از یک سو با رشته هایی مرتبط است که بنا به سنت با هنر سر و کار دارد. تاریخ هنر، نقد هنر، زیبایی شناسی نیز با رشته هایی مرتبط است که به تنهایی با جامعه شناسی پیوند دارند. در بررسی هنر دو دیدگاه وجود دارد

بررسی هنر به شیوه توصیفی: افرادی مانند وبر معتقدند جامعه شناس نباید به محتوای اثر هنری بپردازد چرا که این امر زمینه قضاوت ارزشی را فراهم میکند. موضوع جامعه شناسی هنر به شیوه توصیفی، مسایلی از جمله مطالعه هنرمندان به عنوان یک گروه اجتماعی است که از لحاظ وابستگیهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ارزشی را مورد بررسی قرار می دهد. در این حالت جامعه شناس به مطالعه توصیفی می پردازد. زیرا با محتوا و درون مایه اثر هنری کاری ندارد بلکه با خالق اثر هنری سرو کار دارد. شیوه توصیفی صرفا به مطالعه هنرمندان به عنوان یک گروه اجتماعی نمی پردازد بلکه نهادهای مولد هنر، مخاطبان هنر و... را نیز مطالعه می کند. در این مقاله نگارنده از جهات مختلف به صورت کتابخانه ای موضوع را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد.

روشننگری		
پیامد	ویژگی	دوره زمانی
دنیسم	عقل گرایی، نفی وحی	قرون هفدهم و هجدهم
دانش ابزاری	حس گرایی، نفی عقل و وحی	قرون نوزدهم و بیستم
بحران معرفتی	افول تجربه گرایی، نفی تجربه، نفی عقل و وحی	پایان قرن بیستم



بحث و نتیجه گیری

این کتاب بیشتر درباره‌ی هنر در جامعه است در حالیکه محتوای اکثر کتاب‌های جامعه‌شناسی هنر، نقش در جامعه‌ی هنری می‌باشد. حسن کوشش توصیفی متن کتاب در این است که رویکردهای زیبایی شناختی، تاریخی، انتقادی بهتر به موضوع مورد نظر پرداخته و نتیجه‌ی کلی حاصل نقد عالمانه‌ی مدل‌های تحلیلی آن در گذشته می‌باشد که با روشن شدن شان نسبت به گذشته نسبت عکس دارد. کتاب حاصل مطالعات درباره‌ی جامعه‌شناسی در اروپا و امریکاست که با توجه به حضور بزرگ مردانی چون: میشل فوکو و پیر بوردیو در جامعه‌شناسی هنر، به خود جرأت داده و کاستی‌های آنان را بررسی کرده است.

به منصفی ظهور درآوردن جامعه‌شناسی هنر و این که جامعه‌شناسی را برای رسیدن به نتیجه‌ی تحقیق در راستای بررسی اثر مؤلفه‌ای جامعه‌شناسی به مبارزه دعوت می‌کند و نتایج جامعه‌شناسی هنر را برای درک بهتر اصل‌های عمل و بنیه‌ی آثار هنری و تجربه آنان سوق می‌دهد. آنچه آشکار به نظر می‌رسد، این است که تاریخ فرهنگی در خاستگاه‌های جامعه‌شناسی هنر حضور پررنگی داشته است چرا که تاریخ، چه در هنر و چه در فرهنگ قدمتش بیشتر از هنر عامل دیگری است، بررسی تفاوت جامعه‌شناسی هنر بیشتر در تحقیقات بنیادی (دانشگاهی و مؤسسات تحقیقاتی) نمایان می‌شود. برای به نتیجه مطلوب رسیدن تحلیل‌ها، مقایسه بین آن‌ها ضرورت ویژه دارد.

اکثر اوقات جامعه‌شناسی هنری با جامعه‌شناسی فرهنگ یکی شمرده می‌شود، همان گونه که واژه‌ی هنر معانی متفاوتی در بین منتقدان هنری دارد، واژه فرهنگ نیز در معانی بسیار گوناگون به کار می‌رود؛ به ویژه در تفاوتی که میان برداشت فرانسوی و برداشت آنگلو ساکسن وجود دارد. در برداشت فرانسوی فرهنگ بیشتر در محور تمرین و ممارست اجتماعی متمرکز است، اما در برداشت آنگلو ساکسن مفهوم فرهنگ صیغه انسان شناختی دارد و شامل آداب و رسوم، یا تمدن در جامعه‌ای مشخص است. هنر در دل جامعه جای دارد و با دیگر جنبه‌های اجتماعی عمیقاً پیوسته است. هنر غالباً در جامعه‌شناسی نادیده گرفته شده است. جامعه‌شناسی هنر مستلزم داورهای انتقادی در مورد هنر است، این داورها باید با مرجعیت نوعی نظام زیبایی‌شناسانه انجام شوند. اما اینکه چه نتیجه‌ای از جامعه‌شناسی هنر حاصل می‌شود، باید گفت، افزایش دانش درباره‌ی وجوه مختلف هنر، که وجوه اجتماعی یا جامعه‌شناسی قسمتی از آن است، باعث می‌گردد که هنر مانند هر پدیده‌ی دیگر از بی‌نهایت وجه مختلف برای شناخت محسوب گردد.



منابع

منابع:

- احمدی، بابک، حقیقت و زیبایی، تهران، مرکز، ۱۳۸۶
- راودراد، اعظم، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، تهران، فرهنگستان هنر، فروردین و اردیبهشت ۸۶
- راودراد، اعظم، مقاله ی تعریف هنر از دیدگاه جامعه شناسی، هم اندیشی جامعه شناسی هنر، تهران، فرهنگستان هنر، زمستان ۸۶
- کوثری، مسعود، مقاله ی درک آثار هنری در جامعه، مقالات هم اندیشی جامعه شناسی هنر، فرهنگستان هنر، زمستان ۸۶
- سید حسینی، رضا، مکتب های ادبی، تهران، مرکز، ۱۳۸۶
- ساروخانی، باقر، جامعه شناسی ارتباطات، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۵
- منبع : جامعه شناسی ایران



Sociology of art

Posterior septum

Abstract

Art is a special form of transferable sensory knowledge, and the knowledge of a subject generally goes through two continuous stages of analysis and composition in the mind. In the first stage, the external object or phenomenon or subject is divided into some mental images in its reflection on the mind, each of which contains aspects of the characteristic of the object or subject. For example, each of the five senses gives us one or more images of the shape, size, hardness, color, smell, and sound of an object, and the more detailed these images are, the more we get to know the specific attributes of the object. In the second stage, which is the stage of composition, these images join together and make a whole unit that is our final image of the object and can be relatively adapted to it. In his work to visualize this idea, the artist must perform the act of combining mental images with objective elements in a special way, and give external visualization to his sensory space. , whose philosophical foundations and aesthetic principles have grown step by step in the course of the history of human life, with the evolution of knowledge and knowledge of man about himself and his surroundings, and in its most complete form, relying on the comprehensive principles of scientific philosophy, it is a realistic, social oriented art. come

Keywords: Sociology, science, art